



نقش بیمه در مقابل خطرات بزرگ

دکتر غلامحسین جباری

خیال به توسعه فعالیت خود می‌پردازد. اما در حیات بشر خطراتی از نوع دیگر وجود دارند که هدف آنها یک نفر یا یک وسیله نقلیه و یا یک ساختمان نیست، بلکه گروه بی‌شماری از مردم و یا وسایل و تأسیسات و حتی یک شهر یا یک منطقه وسیع در معرض این خطرات هستند که ما آنها را در عنوان مقاله «خطرات بزرگ» نامیده‌ایم. نام‌های دیگری هم برای همین مفهوم بکار می‌روند از جمله خطرهای طبیعی، خطرات فاجعه آمیز و...

منظور از خطرهای مورد بحث، حوادث و پیش‌آمدهایی است که موجودیت گروه‌های بزرگی از انسان‌ها و یا مجموعه‌ای عظیم از اموال را تهدید می‌کنند و می‌توانیم آنها را به سه دسته تقسیم کنیم: **(۱) خطرات طبیعی** - این خطرات اساساً وقتی به وجود می‌آیند که یکی از عوامل طبیعت از حالت عادی خود خارج شود و مثلاً سیل و توفان و یا تگرگ یا باد گرم (که

در زندگی روزمره هر کس و هم‌چنین در فعالیت‌های حرفه‌ای او خطرهایی احتمال وقوع دارند که گاه تحقق می‌یابند و موجب زیان مالی و حتی صدمه بدنی او می‌شوند. دامنه این زیان‌ها و صدمات گاهی آن‌قدر وسیع است که همه هستی او را نابود می‌سازد و هم‌چنین سرایت خسارت‌ها به دیگران موجب مسؤلیت او می‌شود، مثلاً مالک یک وسیله نقلیه ممکن است، با ادعای خسارت توسط کسی یا کسانی که طرف تصادف با او بوده‌اند مواجه شود.

نظیر این پیش‌آمدها در اجتماعات بسیار دیده می‌شود. اما انواع مختلف بیمه هم برای مقابله با آنها طرح‌ریزی و به مردم عرضه شده است. در جوامعی که مردم با فرهنگ بیمه‌آشنایی کافی دارند، همه نوع خطرات از این قبیل تحت پوشش بیمه‌ای قرار می‌گیرند و لذا هر عضو جامعه، امور روزانه خود را بدون ترس و هراس از خطرات گوناگون انجام می‌دهد و با آرامش

بعضی محصولات کشاورزی را نابود می‌کند (حادث شود.

از جمله این خطرات عبارتند:

- سیل و طغیان آب رودخانه‌ها که در کشور ما هم گاه موجب صدمه به محصولات کشاورزی می‌شود.

- طوفان‌های عظیم که ساختمان‌ها و تأسیسات بسیاری را منهدم می‌سازد. طوفان‌ها بخصوص در مناطق نزدیک دریاها سبب سرازیر شدن آب دریاها به مناطق مسکونی، صنعتی و تجاری می‌شوند و خسارات بسیار سنگین را موجب می‌گردند. خوشبختانه خطر طوفان در کشور ما شدت ندارد.

- زمین لرزه که ناشی از فعل و انفعالات لایه‌های عمقی زمین است و انرژی حاصل از آن منطقه‌های بسیار وسیع را با شدتی می‌لرزاند که کلیه تأسیسات مستقر در آن فرو می‌ریزند. متأسفانه یکی از مناطق زلزله‌خیز جهان، کشور عزیز ماست و اغلب شهرهای بزرگ و صنعتی ما در معرض خطر شدید زلزله قرار دارند.

- آتش فشان قله بعضی از کوهها که موجب سیلان مواد مذاب به مناطق اطراف خود می‌شود.

- بهمن نیز خطری است که در مناطق کوهستانی خسارت‌های سنگینی ایجاد می‌کند.

(۲) خطرات اجتماعی - که از رفتار غیرعادی انسان‌ها ناشی می‌شود. گرچه به طور کامل قابل پیش‌گیری هستند، ولی به وفور دیده می‌شوند. تاریخ بشر پر است از آثار این خطرها که از آن جمله‌اند:

- جنگ که بشر همیشه با آن آشنا بوده است و روز به روز با روش‌های مدرن‌تر و وسیع‌تر و هولناک‌تر آن مواجه می‌گردد.

- انقلاب یا شورش که از حرکت‌های جمعی

یک ملت یا بخشی از مردم یک منطقه حاصل می‌شود. در حین انقلاب یا شورش

پس از لحاظ حق بیمه، خطری که بیمه می‌شود باید برای تعداد زیادی از اشخاص و اموال مطرح باشد تا ایجاد یک رابطه تعاونی وسیع را میسر سازد

حرکات افرادی که در جمع حضور دارند قابل کنترل نمی‌باشد و حتی همیشه عکس‌العمل‌های دولت نیز قابل پیش‌بینی نیست و هر دو موجب خسارات مالی و جانی می‌شوند.

- بحران‌های اقتصادی که ناشی از سوء مدیریت در روابط مالی بین افراد و بین کشورهاست.

(۳) خطرات تکنولوژیک - این خطرات مولود پیشرفت‌های صنعتی بشر می‌باشند و موجب مسؤولیت‌های سنگین یک واحد صنعتی یا تجاری در مقابل گروه بی‌شماری از مردم می‌شود. از جمله این خطرها عبارتند:

- آلودگی محیط زیست اعم از آب، هوا و خاک در اثر فعالیت کارخانه‌ها یا وسایل نقلیه (دریایی، زمینی، هوایی) و یا عدم مراقبت و نگهداری از انبارهای حاوی بعضی مواد شیمیایی (گازها، مایعات) - آثار تشعشعات هسته‌ای که عواقب آن

می‌تواند بیش از خسارات یک زمین‌لرزه سنگین باشد. متأسفانه با توسعه روزافزون استفاده از انرژی اتمی در صنعت، تعداد راکتورهای اتمی فعال در شهرها افزایش می‌یابد. آثار نامطلوب راکتور در شهر چرنوبیل هنوز باقی است. در اروپا تعداد راکتورهای اتمی بیش از نقاط دیگر است. گفتنی است که حدود ۷۵ درصد از

انرژی الکتریکی که در فرانسه تولید می‌شود، محصول نیروگاه‌های اتمی است.

در مقدمه بحث دیدیم که خطرهای عادی که در زندگی روزمره با آنها مواجه هستیم همگی بیمه‌پذیر هستند و انواع بیمه برای هر نوع خطر در دسترس افراد قرار دارد. بنابراین اگر کسی از تصادف اتومبیل و یا غرق کالای خود خسارتی دید که از طریق بیمه قابل جبران نیست، این حاصل کوتاهی او در تحصیل بیمه است. اما در مورد خطرات بزرگ هم قضاوت به همین گونه است؟ آیا خطرهای مورد بحث، بیمه‌پذیر هستند و پوشش‌های بیمه‌ای مناسب در دسترس همگان قرار دارد؟

پاسخ به این پرسش مستلزم آن است که به بعضی ضوابط فنی بیمه اشاره‌ای داشته باشیم. در مباحث مقدماتی درس بیمه می‌خوانیم که بیمه حاصل یک نوع رابطه تعاونی بین گروهی از بیمه‌گذاران است و بیمه‌گر در این رابطه نقش واسطه و مدیر را دارد. همه هنر بیمه‌گر این است که گروه‌هایی از افراد در معرض خطر را بدون آن که خود بدانند بهم مرتبط می‌سازد، از همه آنها حق بیمه می‌گیرد و از محل جمع این حق بیمه‌ها خساراتی که عارض بعضی از آنها می‌شود، جبران می‌کند. اگر نرخ حق بیمه بر مبنای آمار و اطلاعات صحیح محاسبه شده باشد و نیز تعداد بیمه‌گذاران به حد کافی زیاد باشد، نتیجه سالانه این امر برای بیمه‌گر یا سودی مختصر است و یا زیانی ناچیز که می‌تواند به امید سود سال‌های بعد به آسانی تحمل کند.

پس از لحاظ حق بیمه، خطری که بیمه می‌شود باید برای تعداد زیادی از اشخاص و اموال مطرح باشد تا ایجاد یک رابطه تعاونی وسیع را میسر سازد. مطلب مهم اینکه اگر خطرات مورد نظر، که تعداد آنها

هم کافی است، در یک منطقه محدود واقع و چنان به هم نزدیک باشند که سرنوشت مشترک داشته باشند - مثل بیمه خانه‌های یک شهر که هم زمان در معرض خطر زلزله قرار می‌گیرند - در این صورت کار بیمه‌گری موفق نخواهد بود.

با این مقدمه می‌خواهیم بگوییم که خطرات بزرگ که بر خلاف تصادفات وسایل نقلیه و حریق‌ها، به ندرت واقع می‌شوند و ضمناً فقط در بعضی از نقاط کره زمین مطرح هستند، بیمه‌پذیر نیستند. به این جهت در ابتدا پوشش بیمه‌ای برای خطراتی مثل زمین لرزه، آتش‌فشانی، جنگ، شورش، طوفان و نظایر اینها در دسترس نبود. اما با توسعه بیمه و پیدایش شرکت‌های بیمه گول‌پیکر و ایجاد ارتباط جهانی بین بیمه‌گران که همه به هم متکی می‌شوند. به تدریج بعضی از خطرات فوق به جمع خطرهای بیمه‌پذیر پیوسته‌اند. از جمله :

- خطر زمین‌لرزه و سیل و طوفان، تقریباً در همه نقاط جهان بیمه پذیر است.

- خسارات ناشی از خطر جنگ، حین حمل هوایی و دریایی کالا در همه کشور بیمه می‌شود.

- در هریک از کشورهای صنعتی جهان یک صندوق بیمه خاص برای خطرات اتمی تأسیس و یک نوع رابطه گروهی بین آنها برقرار شده است و از یکدیگر حمایت می‌کنند. - در بسیاری از کشورها صندوق‌های بیمه کشاورزی با کمک دولت‌ها ایجاد شده‌اند که کشاورزان را در مقابل خطرات سیل، یخبندان، تگرگ، بادگرم، انواع آفات و... حمایت می‌کنند.

بنابراین در حال حاضر کمتر خطری وجود دارد که مطلقاً بیمه‌پذیر نباشد. اما متأسفانه در بسیاری از نقاط جهان و از جمله در کشور عزیز ما گاه خسارات عظیمی در اثر وقوع خطرات زمین‌لرزه، سیل و یا

طوفان وارد می‌شود که قابل جبران نیستند و این به آن دلیل نیست که پوشش بیمه‌ای در دسترس مردم نبوده است بلکه به این جهت است که مردم در تحصیل پوشش بیمه‌ای اهمال می‌کنند. چرا؟ زیرا بیمه را نمی‌شناسند یا باور ندارند و یا شاید بهتر بگوئیم توجیه و راهنمایی نشده‌اند. همان‌طور که در زلزله چند ماه قبل در همسایگی خود در ترکیه دیدیم، تعهد بیمه‌گرها در مقابل عظمت خسارات وارده ناچیز است. آیا سزاوار است که گروه بی‌شماری از مردم یک کشور همه هستی خود را در اثر یک حادثه از دست بدهند، فقط به این جهت که از تدبیر بیمه بی‌اطلاع بوده‌اند؟ باید قبول کنیم که دولت در این زمینه مسؤولیت دارد. از وظایف دولت مراقبت و نظارت در این مسائل است. این مهم بدون نوعی دخالت دولت به سرانجام نمی‌رسد. حال در مقابل یک پرسش جدید قرار می‌گیریم و آن این که دولت چه



می‌تواند بکند؟ این سوال هم‌اکنون در سطوح مختلف مسؤولین کشور ما مطرح است. زمین‌لرزه برای همه نقاط ایران و خصوصاً تهران و شهرهای بزرگ بسیار جدی است. لوله‌کشی گاز شهری زمینه حریق‌های عظیم بعد از زمین‌لرزه را در شهرهای بزرگ فراهم کرده است. در شهرهای کوچک و روستاها که ساختمان‌ها با مصالح ابتدائی‌تر و ساده‌تر ساخته می‌شوند، خسارات وارد به اقشار متوسط به سطحی هولناک می‌رسد و لذا همان‌طور که دیده‌ایم یک زلزله منشأ مصیبت عمومی می‌شود.

بدیهی است که دولت‌ها ناچارند تدابیری برای مقابله با این نوع مشکلات که جنبه عمومی به خود می‌گیرد بیندیشند. روش‌هایی که در بعضی کشورها دیده شده به قرار زیر می‌باشد:

۱ - واگذاری امر به مؤسسات بیمه

این روش در صورتی کارساز است که فرهنگ بیمه در جامعه به میزان کافی توسعه یافته باشد و کلیه اموال اعم از کوچک و یا بزرگ از پوشش‌های بیمه‌ای کافی برخوردار باشند، ولی در اکثر کشورها واگذاری امر به شرکت‌های بیمه و به خود مردم موجب آن می‌شود که عملاً تعدادی از مؤسسات صنعتی و تجارتی و بعضی اشخاص که آشنائی فنی با بیمه دارند پوشش بیمه‌ای تحصیل می‌کنند و قشر عظیمی از زیان دیدگان هیچگونه خسارتی دریافت نمی‌کنند و واقعه صورت یک فاجعه را به خود می‌گیرد.

۲ - تشکیل صندوق‌های حمایت

در بعضی کشورها دولت به خسارت دیدگانی که پوشش بیمه‌ای ندارند کمک می‌کند. به این منظور صندوق‌های حمایتی

با جمع‌آوری و تمرکز منابع مختلفی که به مقابله با حوادث غیرمترقبه اختصاص یافته است می‌توان صندوق واحدی برای حمایت از زیان دیدگان این حوادث به وجود آورد

تشکیل می‌شود که در صورت وقوع یکی از حوادث طبیعی، زیان دیدگان را تحت حمایت قرار می‌دهد. این صندوق یا از محل بودجه عمومی کشور تغذیه می‌گردد و یا این‌که مالیات خاصی برای تأمین منابع مورد لزوم آن در نظر گرفته می‌شود.

۳ - ایجاد نوعی بیمه اجباری

در بعضی از کشورها با وضع مقرراتی بیمه حوادث طبیعی عملاً به صورت اجباری اعمال می‌شود. به این ترتیب که پوشش خسارات طبیعی (سیل، زلزله، طوفان، طغیان آب دریا) در بیمه‌نامه‌های آتش‌سوزی و اتومبیل و مهندسی و نظایر آنها اجباری است. به عبارت دیگر بیمه‌نامه‌های مزبور اگر صادر شوند، خودبخود پوشش خطرهای مذکور را نیز شامل خواهند بود.

بیمه‌گر ناگزیر به اعطاء پوشش می‌باشد، ولی دولت بیمه اتکائی لازم را در اختیار او می‌گذارد. به این ترتیب که بیمه‌گر می‌تواند تا ۹۰ درصد از تعهدات مربوط به خسارات طبیعی را به یک مؤسسه دولتی واگذار کند.

در این روش دو مطلب جالب، قابل ذکر است یکی اینکه پوشش بیمه خطرهای طبیعی به بیمه اتکائی خارجی واگذار نمی‌شود و حق بیمه‌های مربوط در داخل کشور نزد همان مؤسسه دولتی متمرکز می‌گردد و سرمایه‌گذاری می‌شود. مطلب دیگر این‌که نرخ حق بیمه که

برای همه خطرات طبیعی یک‌جا منظور و اخذ می‌شود، برای سراسر کشور یک‌نواخت است. بنابراین کار تعیین حق بیمه و صدور بیمه‌نامه‌های شرکت‌های بیمه، بسیار ساده است و از بیمه‌گزاران حق بیمه با نرخ‌های متفاوت دریافت نمی‌شود. می‌توان گفت که در این روش به خطرات طبیعی مثل یک‌مسأله اجتماعی نگاه می‌شود همان‌طور که در سازمان‌های تأمین اجتماعی نرخ حق بیمه برای همه بیمه‌شدگان صرف‌نظر از سن و تعداد عائله آن یکی است. در غیر این‌صورت ساکنین شهرهای کوچک و روستاها که بیشتر در معرض بعضی حوادث مثل طوفان و سیل هستند و ساختمان‌های آنها مقاومت کافی ندارد بایستی حق بیمه‌هایی با نرخ سنگین‌تر بپردازند که البته استطاعت آن را ندارند و عملاً از بیمه صرف نظر می‌کنند، برای آنها چنین روشی نیاز به وضع مقرراتی دارد که مؤسسه بیمه اتکائی مورد نظر را به وجود بیاورد و مرجعی را برای تشخیص حوادث طبیعی که خسارت‌های آن مشمول این پوشش می‌گردد در نظر بگیرد.

روش اخیر در کشورهایی که بیمه پیشرفته دارند موفق بوده است. ولی در کشورهای جهان سوم عملی نیست به نظر می‌رسد در شرایط فعلی ما ناگزیر به انتخاب روش دوم هستیم. زیرا هنوز تعداد واحدهای مسکونی و تجاری که تحت پوشش بیمه آتش‌سوزی هستند بسیار ناچیز است. لذا با جمع‌آوری و تمرکز منابع مختلفی که به مقابله با حوادث غیرمترقبه اختصاص یافته است می‌توان صندوق واحدی برای حمایت از زیان دیدگان این حوادث به وجود آورد. بدیهی است بیمه‌گران می‌توانند در تاسیس و اداره این صندوق همکاری موثری داشته باشند.